

آموزش شهرسازی در کشورهای مشترک المنافع کمتر توسعه یافته: ارزیابی

ترجمه: دکتر محمدمهدی عزیزی
استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا

Qadeer, Mohammad A. (1993) «Planning Education in Less-Developed Countries of the Commonwealth: an Assessment», *Habitat International*, Vol. 17, No. 1, pp. 69-84.

کشورهای جهان سوم است. تصویر روشن تر از مقوله آموزش شهرسازی در جهان سوم را می توان با متمرکز شدن روی کشورهای کمتر توسعه یافته عضو جامعه مشترک المنافع که اطلاعات آنها موجود است به دست آورد. مقاله حاضر به ارزیابی مقوله آموزش شهرسازی در این کشورها و شناخت عوامل مؤثر بر آن می پردازد و ظرفیت های کشورهای فوق در آموزش و تربیت شهرسازان حرفه ای و نیز عوامل تشکیلاتی مؤثر بر آموزش را بررسی می کند. سؤال خاصی که مقاله حاضر به آن می پردازد این است که تا چه حد برنامه های شهرسازی برای کشورهای مشترک المنافع کمتر توسعه یافته مناسب است.

آموزش شهرسازی بحث مهمی است که می تواند از توان کشورهای کمتر توسعه یافته در مواجهه با مسائل متعدد شهرنشینی و عقب افتادگی روستاها تصویری ارائه دهد. در نظام آموزش غرب، به آموزش شهرسازی جهان سوم به گونه نامتناسبی توجه شده است. این موضوعی دائمی در جریان مشاوره ها است.^۱ نیازهای آموزشی شهرسازی در جهان سوم مدام بحث شده و پیشنهادات متعدد درباره تشکیل دروس، برنامه ها و نیز درباره مدارک تخصصی این رشته مطرح می شوند. مجلات شهرسازی به طرح نظرات و عقاید مختلفی درباره دوره کامل تحصیلی شهرسازی در جهان سوم اقدام می کنند.

بحث آموزش شهرسازی در جهان سوم

بحث عمده در مورد آموزش شهرسازی برای جهان سوم حول نحوه و ساخت گردش کار متمرکز شده است. محور دیگر بحث، نقش مدارس شهرسازی غرب در تربیت شهرسازان کشورهای جهان سوم است. در این بحث ها، انگیزه و علاقه کشورهای غربی به مقوله آموزش شهرسازی در جهان سوم تعریف شده است و بیشتر نوشته های افرادی چون «ابرامز» (Abrams)، «اوبرلندر» (Oberlander)، «ایتریس» (Iatrides)، «دیکس» (Dix)، «رودوین» (Rodwin) و دیگران مدنظر قرار می گیرد.^۲

افزایش ره یافت های^۳ (approaches) اقتصاد سیاسی در مطالعات توسعه منجر به پیدایش مقولاتی چون «وابستگی» (dependency)، «فکر استعمارزداپی» (decolonising mind) و «خودکفایی فکری جهان سوم» (Intellectual self-sufficiency) شده است. اینگونه عقاید زمینه را برای از بین رفتن انگیزه هدایت آموزش شهرسازی جهان سوم فراهم کرده است و منجر به ارتقاء اندیشه های



پیشگفتار مترجم:

رشد و تحولات عظیم جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در جوامع روبه رشد و ضرورت هدایت و کنترل ساختار فضایی شهر، روستا و منطقه منجر به تأسیس دوره های شهرسازی به عنوان شاخه مستقلی از علوم و دانش های نوین شده است. در قالب فرایند چنین برنامه ای، ضروری است ارزیابی لازم از میزان نیل به اهداف و نیز شناخت نقاط قوت و ضعف به عمل آید. نظر به نبودن رشته شهرسازی در ایران و نیز فقدان تحقیقات در زمینه ارزیابی نتایج حاصل از تأسیس رشته، مفید دانسته شد تا از تجربه سایر کشورها بهره گرفته شود. مقاله حاضر از جمله معدود تحقیقات انجام شده در زمینه ارزیابی آموزش شهرسازی در تعدادی از کشورها می باشد که ضمن معرفی روش های آموزشی، مقاطع و گرایش ها، بازدهی دوره ها را ارزیابی نموده و مسائل موجود در زمینه کمبودها را نیز تجزیه و تحلیل می کند.

مقدمه

آموزش شهرسازی در جهان سوم در حال رسیدن به مرحله بالندگی است و در ابعاد کمی اقدامات وسیع پایه ریزی شده است. برای مثال، در سال ۱۹۸۰، ۶۷ دوره با مدرک رسمی وجود داشت که اغلب در طول دهه ۱۹۷۰ تأسیس شده بودند.^۱ به نظر می رسد این تعداد تاکنون به دو برابر رسیده است. همانطور که تعداد دانشگاه های جهان سوم، بویژه آنهایی که در آموزش حرفه ای و تکنولوژی متمرکز شده اند، به چند برابر افزایش پیدا کرده اند.

ابهام در تعاریف و کمبود اطلاعات مانع از تخمین صحیح برای کل

«آموزش دوطرفه» (Mutual learning) و مطالعات تطبیقی (Comparative studies) که پایه‌هایی برای جذب جهان غرب به موضوع شهرسازی جهان سوم هستند - شده است. روند جهان‌گرایی و پیدایش انتقادات مربوط به نقش زن و مقولات فرهنگی در علوم اجتماعی منجر به تعریف دوباره مطالعات جهان سوم در مؤسسات غربی شده است. واقع‌گرایی فرضیات «اروسنتریک» (Eurocentric) در علوم اجتماعی روز بروز در حال افزایش است. تز شرق دوستی «سید» (Said) روش ویژه مشاهده، دسته‌بندی، تشریح و اشراف بر ارزش پیش قضاوت شده استدلالات‌های تاریخی و هستی‌شناسی را برجسته می‌کند.^۵ این نظرات اندیشه آموختن متقابل را به عنوان پایه مطالعات جهان سوم در برنامه‌های شهرسازی غرب تقویت می‌کند.^۶ مسیر اصلی این بحث مهیج هنوز دانشگاه غربی است. بااستثناء چند مورد^۷ به تصورات کشورهای جهان سوم درباره آموزش شهرسازی توجه نشده است.

بحث‌های جاری درباره آموزش شهرسازی بدون توجه کافی به تلاش‌های جهان سوم در پاسخ به نیازهای آموزشی شهرسازی ناکام مانده است، لذا مؤسسات و دانشگاه‌های غربی مسئولیت پرکردن این خلاء را دارند. از تعداد و گرایش برنامه‌ها و دوره‌های شهرسازی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تدوین شده‌اند کمترشناسایی به عمل آمده است. عموماً عقیده بر این است که چنین دوره‌هایی، در جایی که هست، نیازهای جهان سوم را به میزان لازم برآورده نمی‌سازند. مشاهدات زدوین که دوره‌های مطالعات شهرسازی در جهان سوم را عموماً ضعیف، غیر کارا و کلاسیک می‌داند مؤید این فرضیه است.^۸ مقاله حاضر تلاش برای بررسی مقوله آموزش شهرسازی در بخشی از جهان سوم است.

موضوع بحث

آموزش شهرسازی در قالب دونوع از تشکیلات اجتماعی شکل می‌گیرد که عبارت است از: سیستم آموزشی ملی و حرفه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. این تشکیلات به نوبه خود در قالب تشکیلات اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شوند. سیستم آموزشی ملی مکان آموزش شهرسازی (در دانشگاه‌های عمومی یا فنی) و چگونگی جریان ساختاری و نیز اهداف کلی آن را تعیین می‌کند. حرفه شهرسازی، جهت‌گیری و کاربرد آموخته‌های دانشگاه را تعریف می‌کند و بدین ترتیب نظردهنده دوره تحصیل می‌شود. این دو نیروی متقابل آموزش شهرسازی را در جریانی قابل بحث تداوم می‌بخشد.

سیستم آموزش شهرسازی بندرت دوره آرامی به خود دیده است. حتی در کشورهای غربی، مانند امریکای شمالی، آموزش شهرسازی دورتر از آن است که فعالیتی باشد که محتوایش نیاز به موافقت وسیع عمومی داشته باشد. «من» (Mann) در سال ۱۹۷۰ از آینده نامعلوم آموزش شهرسازی صحبت کرد.^۹ «آلونسو»^{۱۰} (Alonso) و «کروکبرگ»^{۱۱} (Kruekeberg) به‌طور جداگانه انتقال الگوهای آموزش شهرسازی را در امریکا مطرح کردند. شهرسازان آکادمیک اخیراً با الزامات ایدئولوژیک متفاوت به تقابل‌های آموزش شهرسازی توجه کرده‌اند.^{۱۲} نکته قابل بحث این است که یک الگوی جهانی آموزش شهرسازی وجود ندارد که بتوان برنامه‌های شهرسازی جهان سوم را در

مقایسه با آن ارزیابی کرد. آنچه که باید باشد به میزان وسیع به جهت و گرایش حرفه شهرسازی و جو اجتماعی کشور بستگی دارد. آموزش شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته باید در قالب ساختارهای تشکیلاتی و نیازهای ملی ارزیابی شود. این مقاله نظری داخلی از آموزش شهرسازی را بررسی می‌کند و اینکه دانشگاهیان چگونه به مقوله آموزش شهرسازی در کشورهای خود می‌نگرند.

برنامه‌های شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته

یک بررسی پرسشنامه‌ای در تمامی کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته از دوره‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای انجام شد. پرسشنامه‌ها سه بار به ۳۶ دانشگاه ارسال و ۱۵ پاسخ دریافت شد. پرسشنامه‌ها را مدیران و همکاران آنها در دپارتمان‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه‌های فوق تکمیل کردند. اگرچه ۱۵ پاسخ بسیار اندک است، اما میزان ۴۲ درصد پاسخگویی بوده است که در جهان سوم بخصوص، نسبتی قابل قبول برای پرسشنامه‌های پست شده است. بجز نسبت پاسخ، نمونه‌گیری فوق می‌تواند از بعد دیگر نماینده وضعیت باشد. این نمونه‌گیری تصویری از کل دوره‌های شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته به دست می‌دهد. از ۱۶ دانشگاه در نیجریه که دوره‌های شهرسازی داشته، ۵ دانشگاه، از ۹ دانشگاه در هند ۳ دانشگاه و از ۳ دانشگاه در مالزی ۲ دانشگاه پاسخ دادند. این‌ها از جمله کشورهای هستند که دوره‌های شهرسازی را در دانشگاه‌های مختلف ارائه می‌کنند. سایر موارد هر یک، تنها یک دوره شهرسازی داشته‌اند. از این گروه، کشورهای غنا، هنگ کنگ، پاکستان، زامبیا و زیمبابوه پاسخ پرسشنامه‌ها را داده‌اند. بدین ترتیب، نمونه‌گیری فوق در برگیرنده کشورهای آسیا و آفریقا است که معرف کشورهای مشترک‌المنافع هستند و ۸ کشور از ۱۲ کشور دارای دوره‌های شهرسازی را نشان می‌دهند. همچنان که بعداً نشان داده خواهد شد، شمول پاسخ‌ها نیز گواه دیگری از پوشش نمونه‌گیری از کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته است.

پرسشنامه موردنظر به گونه‌ای طراحی شد که اطلاعات آن تاریخیچه، ظرفیت، اشتغال فارغ‌التحصیلان و نیازهای آکادمی دوره‌های شهرسازی را شامل شود. همچنین اطلاعات فوق با یک سری از اطلاعات دیگر در سالنامه‌های آماری دانشگاه‌های جامعه مشترک‌المنافع تکمیل شدند. به وسیله این منابع، تصویری از آموزش شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته به دست آمده است.

جامعه مشترک‌المنافع شامل ۴۷ کشور است که وجه اشتراک آنها، تحت قوانین و مقررات انگلستان بودن در مقاطع زمانی مختلف است. بجز انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزیلند، تمامی دیگر اعضاء جامعه مشترک‌المنافع جزء کشورهای کمتر توسعه یافته هستند که در قاره‌های آفریقا، آسیا یا امریکای مرکزی و کارائیب قرار دارند. از این ۴۷ کشور، ۲۹ کشور یک یا بیش از یک دانشگاه ملی دارند. دیگر کشورها یا کوچک‌تر از آنند که بتوانند دانشگاه‌های مستقل داشته باشند و یا به اندازه‌های تازه استقلال یافته‌اند که نمی‌توانند تجهیزات و

جدول ۱ - مقاطع تحصیلی دانشگاهی دوره‌های

برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در کشورهای
مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته

کشور	تعداد دوره‌ها	
	لیسانس	فوق لیسانس یا معادل
بنگلادش	-	۱
غنا	۱	۱
هنگ‌کنگ	-	۱
هند	۱	۹
کنیا	-	۱
مالزی	۲	۳
نیجریه	۱۲	۵
پاکستان	۲	۱
سری‌لانکا	-	۱
سیرالئون	۱	-
زامبیا	۱	-
زیمبابوه	۱	۱
جمع	۲۱	۲۴

امکانات آموزش عالی را فراهم کنند. از بین این کشورها ۱۲ کشور دوره‌های دانشگاهی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را ارائه می‌دهند (جدول ۱).

۲۱ دوره لیسانس و ۲۴ دوره فوق لیسانس در حرفه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ارائه می‌شود. ۱۳ دوره‌های فوق به نام برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای بوده و مقرر است که شهرسازان حرفه‌ای جوان تربیت کنند.

کشور نیجریه با ۱۲ دوره لیسانس و ۵ دوره فوق لیسانس بیشترین تعداد دوره‌های رسمی شهرسازی را دارد. پس از آن کشور هند قرار دارد که تمامی ۹ دوره رسمی شهرسازی آن در مقطع فوق لیسانس است و اخیراً یک دوره لیسانس نیز شروع شده است. از بین دانشگاه‌های نیجریه که دوره رسمی شهرسازی را دارند، ۳ مورد در دهه ۱۹۷۰ و ۹ مورد دیگر در دهه ۱۹۸۰ تأسیس شده‌اند. دوره‌های شهرسازی هند عمدتاً در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پایه‌ریزی شده‌اند، اگرچه تعداد محدودی دوره‌های دیپلم از اواسط دهه ۱۹۵۰ نیز وجود داشته است. مالزی یکی دیگر از کشورهای کمتر توسعه یافته است که برنامه‌ها و دوره‌های مختلف در رشته شهرسازی دارد. سه مقطع فوق لیسانس و دو مقطع لیسانس در اواخر دهه ۱۹۶۰ یا اوایل دهه ۱۹۷۰ تأسیس شدند، اگرچه یک دوره دیپلم در روزهای قبل از جنگ جهانی دوم را نیز یکی از دانشگاه‌ها تأسیس کرده بود. دوره‌های شهرسازی در کشورهای بنگلادش، پاکستان و غنا در اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع شد. در کشورهای زامبیا و زیمبابوه تأسیس دوره‌های شهرسازی به اواسط دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد.

به‌طور کلی، دوره‌های شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته مربوط به دوره پس از استقلال آنها می‌شود. این آموزش عمدتاً در طول دو دهه اخیر توسعه یافته، اگرچه برخی از تجهیزات اولیه حتی ۵۰ سال قبل نیز وجود داشته است. این نکته نیز

قابل توجه است که حداقل از نظر کمی، توسعه برنامه‌های شهرسازی در این کشورها به موازات توسعه مطالعات شهری در کشورهای کانادا و استرالیا بوده است. تنها کشور بریتانیاست که تاریخ طولانی‌تری در آموزش شهرسازی دارد. کشورهای مشترک‌المنافع که برنامه‌های شهرسازی ندارند و معمولاً حکومت‌های کوچک را تشکیل می‌دهند (بوتسوانا با ۱/۲ میلیون، لسوتو با ۱/۶ میلیون و سوازیلند با ۰/۶ میلیون نفر جمعیت) نمی‌توانند از مطالعات تخصصی حمایت کنند. تعدادی از حکومت‌های کوچک که سیستم‌های منطقه‌ای دانشگاهی را توسعه داده‌اند رشته‌های نزدیک به شهرسازی همچون نقشه‌برداری، جغرافیا، مدیریت املاک و توسعه را داشته‌اند. دانشگاه‌های هند غربی و گینه جدید از جمله مؤسساتی هستند که در بیشتر گرایش‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای آموزش عالی بدون ارائه مدرک رسمی دارند. توضیحات فوق در مقوله برنامه‌های شهرسازی این حقیقت را می‌رساند که کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در تشکیلاتی کردن آموزش شهرسازی داشته‌اند.

ویژگی‌های آکادمیک

بدون شک، تمام برنامه‌های شهرسازی دوره‌های چند رشته‌ای هستند که ترکیبی از رشته‌های علوم اجتماعی، مهندسی و طراحی با مدارک متنوع را شامل می‌شوند. برخی از برنامه‌ها حول مقولات سیاسی معاصر شکل گرفته‌اند و بر علوم اجتماعی تأکید دارند، در حالی‌که برخی دیگر بر جنبه‌های برنامه‌ریزی فیزیکی و گرایش‌های طراحی تأکید دارند و بدین ترتیب بیشتر در قالب جنبه‌های تکنیکی هدایت می‌شوند. نظر کلیشه‌ای در گردش کار شهرسازی این است که برنامه‌های تکنیک‌گرا سعی می‌کنند این رشته را به صورت مقوله‌ای بسیار تخصصی و متمرکز بر توسعه‌های فیزیکی مطرح کنند، در حالی‌که گرایش‌های سیاسی - اجتماعی شهرسازی بنیانهای وسیع‌تری دارند و پاسخگویی به مسائل اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند. در عین ساده بودن، از تقسیم فوق برای تفکیک و روشن کردن دوره‌ها استفاده می‌شود. در این تحقیق، تقسیم‌بندی فوق را مدنظر قرار می‌دهیم و دوره‌های شهرسازی کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته را ارزیابی می‌کنیم. دوره‌های شهرسازی که بر پایه گرایش‌های تکنیکی و طراحی استوار هستند معمولاً در دانشکده و دانشگاه‌های معماری و مهندسی قرار دارند. چنین دوره‌هایی ممکن است به‌صورت دپارتمان‌های مستقل عمل کنند، اما به‌رحال بخشی از موسسات دانشگاهی با گرایش تکنیکی هستند. در حالی‌که دوره‌های شهرسازی که بر پایه گرایش‌های سیاسی - اجتماعی استوار هستند در دانشکده‌های علوم اجتماعی و جغرافیا و یا به‌طور کلی در دانشگاه‌های عمومی قرار دارند.

دو نوع گرایش فوق‌الذکر، تقریباً به نسبت مساوی هستند، اگرچه تفاوت‌های قابل توجهی در کشورهای مختلف وجود دارد (جدول ۲). کشور نیجریه مورد قابل توجه‌ای است. این کشور تعداد زیادی دوره شهرسازی دارد (۱۷ دوره) که غالباً در سطح لیسانس هستند. در حقیقت از آنجا که دانشگاه‌های این کشور جوان هستند، مقولات سیاسی - اجتماعی گرایش‌های جدید شهرسازی نیز شکل گرفته‌اند.

برخلاف نیجریه، تأسیس دوره‌های شهرسازی کشور هند به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. براین اساس، بیشترین بنیان‌های شهرسازی در هند بر پایه گرایش‌های طراحی و تکنیکی استوار بوده است، اگرچه تعداد اندکی از دوره‌های جدید مقولات سیاسی - اجتماعی را نیز مدنظر داشته‌اند.

جدول ۲ - ویژگی‌های آکادمیک دوره‌های شهرسازی

ویژگی آکادمیک	نیجریه	هند	مالزی	دیگر کشورها
طراحی و تکنیکی	۵	۸	۳	۷
سیاسی و اجتماعی	۱۲	۲	۲	۵
جمع	۱۷	۱۰	۵	۱۲

در مالزی به نظر می‌رسد یک شکاف وجود داشته باشد. تقریباً سه دوره در موسسات و دانشگاه‌های علوم و تکنولوژی قرار گرفته است و دو دوره در دانشگاه‌هایی قرار دارند که مدارک علوم فیزیکی و اجتماعی ارائه می‌دهند. بنگلادش، پاکستان و سری لانکا در مقوله سیستم آموزش شهرسازی دنباله‌رو هند هستند. برنامه‌های آنها بر جنبه‌های برنامه‌ریزی فیزیکی تکیه دارند. کشورهای غنا، زامبیا و زیمبابوه نیز وضعیتی مشابه دارند، اما دوره‌های شهرسازی در هنگ کنگ و نیز دوره‌های فوق لیسانس در کشور غنا از جمله برنامه‌های متکی بر گرایش‌های سیاسی - اجتماعی هستند.

بازدهی دوره‌های شهرسازی

چگونه این برنامه‌ها و دوره‌ها مطلوب هستند؟ آیا آنها توان پاسخگویی به نیازهای ملی برای شهرسازان واجد شرایط را دارند؟ با استفاده از یک پرسشنامه تلاش شد تا اطلاعات لازم درباره میزان بازدهی و نیازهای این دوره‌ها جمع‌آوری شود.

این بررسی نشان می‌دهد که یک دوره فوق لیسانس متوسط حدود ۱۵ تا ۲۰ فارغ‌التحصیل در هر سال در کشورهای هند، پاکستان، غنا و مالزی، حدود ۲۰ فارغ‌التحصیل در نیجریه و ۲۰ تا ۲۵ فارغ‌التحصیل در هنگ‌کنگ دارد. دوره‌های لیسانس گسترده‌تر بوده که بطور متوسط تعداد ۲۰ تا ۲۵ فارغ‌التحصیل در نیجریه و غنا و ۵۰ فارغ‌التحصیل در پاکستان داشته‌اند. با فرض اینکه متوسط ۱۵۰ فارغ‌التحصیل فوق لیسانس و ۲۵ فارغ‌التحصیل لیسانس در هر دوره هر سال وجود داشته است، جمع فارغ‌التحصیلان در کشورهای مختلف به شرح زیر تخمین زده می‌شود:

کشور	فوق لیسانس	لیسانس
نیجریه	۷۵	۳۰۰
هند	۱۳۵	۲۵
مالزی	۴۵	۵۰
سایر کشورها	۱۰۵	۱۵۰

سؤال این است که آیا حدود ۹۰۰ فارغ‌التحصیل سالیانه دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر

توسعه یافته کافی است؟ به این سؤال به طور یقین نمی‌توان پاسخ داد. کفایت بازدهی آموزشی بستگی به میزان تقاضا برای جامعه حرفه‌ای و نیز نیازهای کشور دارد که هر دو ارتباط متقابل دارند، اما فاکتورهایی قابل اندازه‌گیری نیستند. بدون شک، مسائل توسعه در کشورهای کمتر توسعه یافته مهم و خطیر هستند. رشد جمعیت، توسعه شهرها، مقوله بی‌خانمانی، تخریب محیط زیست، فقر، اضمحلال منطقه‌ای و توسعه اقتصادی، از جمله مقولاتی هستند که جهان سوم با آنها روبه‌روست. بنابراین، برای جذب و اشتغال برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای به حد کافی زمینه کار وجود دارد. در مقابل این چنین نیازهایی، بازدهی فارغ‌التحصیلان شهرسازی کافی نیست. در قالب معیارهای وجود زمینه‌های اشتغال، هنوز میزان تأمین فارغ‌التحصیلان شهرسازی کافی به نظر نمی‌رسد. در حالیکه می‌تواند نیاز به شهرساز زیاد باشد، اما میزان تقاضا محدود است.

در حالیکه نیاز واقعی به شهرساز وجود دارد، اما به دلیل فقدان منابع مالی و شناخت ناکافی مسائل، بیکاری در حرفه شهرسازی غالب است. مقوله‌ای مشابه در حرفه‌های پزشکی و مهندسی نیز در این کشورها حاکم است. در ادامه این مقاله، بحث فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان شهرسازی بررسی می‌شود. در حال حاضر می‌توان نتیجه گرفت که کشورهای نیجریه، هند، مالزی، پاکستان و غنا به میزان کافی فارغ‌التحصیل شهرسازی در آموزش شهرسازی دارند و حداقل در بعد کمی، گام‌های سریعی برداشته‌اند.

کفایت بازدهی فارغ‌التحصیلی به طریق دیگر نیز در این بررسی جستجو شد. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد چنانچه هرگونه نیازی به دوره‌های جدید شهرسازی در این کشورها وجود دارد، شناسایی کنند. عموماً پاسخ این بود که دوره‌های شهرسازی اضافی، مشابه آنچه که وجود دارد موردنیاز نبوده است.

مؤسسه‌ای که دوره‌های لیسانس را ارائه می‌دهند، بر نیاز به دوره فوق لیسانس تکیه داشتند و آنهايي که بر دوره‌های فوق لیسانس متمرکز بوده‌اند، اشاره‌ای به کمبودها و نیز نیازی به مقولاتی که در حال حاضر ارائه نمی‌شود، نظیر مقولات زیست - محیطی و حمل و نقل ندارند. تقاضا برای دوره‌های دکتری در سه مورد شناسایی شد. تمامی کشورهای پاسخ‌دهنده که نیجریه، هند، مالزی و دیگر کشورها را شامل می‌شوند، مطابق این الگو بوده‌اند. مشاهدات فوق حاکی از آن است که برای تربیت شهرسازان عمومی، نیاز کمی به برنامه‌ها و دوره‌های جدید است. به نظر می‌رسد که نوعی تعادل بین میزان تقاضا و تأمین نیروی انسانی شهرسازی در کشورهایی که این دوره‌ها برای مدتی ارائه می‌شده برقرار است. البته بر برخی از نیازها برای دوره‌های تخصصی از قبیل برنامه‌ریزی و حمل و نقل تأکید می‌شود. در این مقوله بر تحقیق و سؤال درباره کمبود تخصص‌های شهرسازی تأکید می‌شود (جدول ۳).

آنچه از جدول ۳ برمی‌آید این است که کمبودها عمدتاً در مقولات تکنیکی جدید هستند. برنامه‌ریزان محیطی و حمل و نقل، طراحان شهری و متخصصین مسکن و آماده‌سازی زمین از جمله کسانی هستند که نیاز به آنها در کشورهای مختلف تأکید شده است. به همین میزان، تخصص‌هایی نیز هستند که از لیست کمبودها حذف شده‌اند که در بین آنها می‌توان از برنامه‌ریزان فیزیکی، اجتماعی و به میزان

نیجریه	هند	مالزی	سایر کشورها
- طرح شهری	- برنامه ریز محیطی	- برنامه ریز محیطی	- برنامه ریز محیطی
- برنامه ریز حمل و نقل	- تحلیل گر مسکن	- متخصص آماده سازی	- برنامه ریز حمل و نقل
- متخصص بهبود مناطق آلودگ‌نشین	- متخصص آماده سازی زمین	- برنامه ریزی مالی و اقتصادی	- طرح شهری
	- برنامه ریز حمل و نقل		- تحلیل گر بهبود مناطق آلودگ‌نشین

کمتر تحلیل‌گران مسکن و برنامه‌ریزان اقتصادی نام برد. با توجه به نرخ بیکاری بالا برای شهرسازان با گرایش امور اجتماعی، تعجب‌آور نیست که مدرسین شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته احساس کنند که کشورهای آنان به میزان کافی شهرساز با گرایش سیاسی و عمومی دارند. این تصور برخلاف نظرات و ایده‌های کشورهای غربی درباره نیازهای آموزش شهرسازی در کشورهای جهان سوم است.

هیأت علمی

قابلیت برنامه آموزشی به‌طور وسیع به کفایت هیأت علمی بستگی دارد. واقعیت این است که دوره‌های شهرسازی تجهیزات بانسبه کمتری را نیاز دارند. نکته قابل بحث اینجاست که به‌امیخته‌ای از مقولات حرفه‌ای با پشتوانه‌های آکادمیک برای آموزش شهرسازی نیاز است. معیارهای مناسب برای قابلیت دانشکده در جهت اهداف ما، تعداد و واجد شرایط بودن مدرسین دوره‌های شهرسازی است.

اطلاعات جامع و لازمی از هیأت علمی شهرسازی در دسترس نیست. بعلاوه ابهام در تعاریف نیز بر مشکل فوق می‌افزاید. به این ترتیب، از طریق یکپارچه نمودن اطلاعات سالنامه‌های دانشگاه‌های مشترک‌المنافع با بررسی پرسشنامه‌ای تحقیق حاضر، نتایج زیر تشریح می‌شوند.

در بین ۱۵ دوره شهرسازی که به بررسی پرسشنامه‌ای پاسخ دادند، یک دوره لیسانس ۴ ساله دارای ۸ تا ۱۰ عضو هیأت علمی تمام وقت و یک دوره مستقل فوق لیسانس متوسط بین ۶ تا ۸ عضو داشته است. این نسبت‌ها قابل مقایسه با ارقام کشور آمریکا هستند. «پاتون» (Patton) تخمین می‌زند که در آمریکا از سال ۱۹۸۳ به‌طور متوسط تعداد ۷/۸ عضو هیأت علمی برای دوره شهرسازی وجود داشته است. ۱۴ طیف تغییرات در حول این ارقام متوسط بسیار گسترده است که از ۶ تا ۳۲ نفر عضو تغییر می‌کند. میزان برنامه‌های آموزشی براساس اندازه و ساختار تشکیلاتی برنامه تغییر می‌کند. نیازهای یک دوره مستقل شهرسازی که موضوعات کاملی را آموزش می‌دهد و یا یک واحد شهرسازی در داخل دیپارتمان‌های مختلط متفاوت است. تعداد هیأت علمی بستگی به درجه خودگردانی برنامه دارد. با مدنظر قرار دادن این کیفیت‌های آموزشی، نسبت مدرس به دانشجو برای دوره‌های لیسانس متوسط ۱ بر ۱۰ تا ۱۲ و برای دوره‌های فوق لیسانس ۱ بر ۶ تا ۸ است که قابل مقایسه با نرم‌های غربی هستند. کیفیت آموزشی مدرسین را می‌توان از طریق شرایط علمی آنان ارزیابی کرد. در مجموع نسبت هیأت علمی با مدرک دکتری (Ph.D) در

سطح پایینی است و در حدود ۱ به ۶ در نیجریه و مالزی، ۱ به ۸ در هند و ۱ به ۳ در سایر کشورهای است. دوره‌های شهرسازی که به دانشکده‌های معماری یا مهندسی ارتباط پیدا می‌کنند تعداد بسیار اندکی Ph.D دارند، در حالیکه آنهایی که در قالب دانشکده‌های علوم اجتماعی هستند تعداد نسبتاً بیشتری دکتری با مدرک Ph.D دارند. بسیاری از هیأت علمی رتبه متوسط دارای مدرک فوق لیسانس از دانشگاه‌های غربی هستند. موضوع قالب توجه در دانشکده‌های شهرسازی، تنوع در مکان‌هایی است که اعضاء هیأت علمی از آنجا فارغ‌التحصیل شده‌اند و بدین ترتیب تنوع فکری وسیعی نیز بین آنها وجود دارد. فارغ‌التحصیلان فوق لیسانس از دانشگاه‌های بریتانیا و امریکا عمده‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند و پس از آنها کشورهای هلند، آلمان، فرانسه، هند و سایر کشورهای جهان سوم قرار دارند. این نکته را نیز می‌توان ذکر کرد که دوره‌های شهرسازی در جهان سوم معمولاً با یک گروه اندک هیأت علمی شروع می‌شود و با سپری شدن هرسال، گروه جدیدی از مدرسین به آنها می‌پیوندند.

بسیاری از این مدرسین برای مطالعات به کشورهای خارج می‌روند و پس از بازگشت رتبه‌های بالایی هیأت علمی را کسب می‌کنند. وجود فرصت‌های شغلی برای هیأت علمی در خارج و رفت و آمدهای آنها موجبات به هم خوردن رتبه‌بندی هیأت‌های علمی را فراهم می‌سازد.

اشتغال و بیکاری

میزان فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان دوره‌های شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته از حداقل در نیجریه تا حداکثر در هنگ کنگ و زیمبابوه تغییر می‌کند. روشن است که فرصت‌های شغلی بستگی به موقعیت اقتصاد ملی، سطح سرمایه‌گذاری در توسعه‌های شهری و منطقه‌ای و تأمین نیروی حرفه‌ای در یک کشور دارد. عوامل فوق از یک کشور به کشور دیگر و در مقاطع زمانی مختلف تغییر می‌کند.

در این تحقیق تلاش کرده‌ایم تا روند اصلی در اشتغال فارغ‌التحصیلان شهرسازی را از طریق سؤال درباره زمان موردنیاز برای یافتن شغل مشخص کنیم.

می‌توان گفت که ۱۷ دوره شهرسازی در کشور نیجریه که هر دو مقطع لیسانس و فوق لیسانس را ارائه می‌دهند، پاسخگوی نیازهای بازار هستند. سه دانشگاه از پنج دانشگاه در نیجریه اعلام کردند که بین یک تا سه سال طول می‌کشد تا فارغ‌التحصیلان شغل به دست آورند. میانگین زمان برای کسب شغل در ۵ دوره در حدود ۱۵ ماه است (جدول ۴) که در حدود ۴ تا ۵ برابر بیشتر از کشورهای هند و مالزی است. میانگین زمان فوق بین سایر دانشگاه‌های پاسخ‌دهنده ۶ ماه بوده است که این رقم از ۱۲ ماه در کشور غنا تا تقریباً صفر در هنگ‌کنگ تغییر می‌کند. پاسخ‌دهنده‌های نیجریه عقیده بر این دارند که فارغ‌التحصیلان فوق لیسانس انتظار کمتری نسبت به فارغ‌التحصیلان لیسانس می‌کشند. همچنین در جدول ۴ می‌توان از مقوله فوق درباره نسبت فارغ‌التحصیلانی که حتی پس از ۲ سال موفق به کسب شغل نمی‌شوند تصویری بدست آورد. به‌طور کلی اطلاعات دورنمای اشتغال فارغ‌التحصیلان شهرسازی نشان می‌دهد که تعادلی بین عرضه و

توسعه یافته نیز در قالب چنین بازاری عمل می‌کنند. تأمین کافی شهرساز نسبتاً ساده است و می‌تواند از طریق تأسیس چند دوره شهرسازی میسر شود.

جدول ۵- کمبود نیروهای حرفه‌ای وابسته

نیجریه	هند	مالزی	سایر کشورها
خیر	نقشه بردار	خیر	نقشه بردار
	معمار		مهندس

نیازهای محسوس دپارتمان‌های شهرسازی چیست؟ این سؤال نقاط قوت و ضعف دوره شهرسازی را آنچنان که اعضاء دپارتمان‌ها احساس می‌کنند پوشش نمی‌دهد. براساس این فرضیه، از پاسخ‌دهنده‌ها خواسته شد تا نیازهای اساسی آکادمیک خود را اظهار کنند. پاسخ‌های داده شده در قالب یک الگوی مشخص قرار می‌گیرند.

نیازهای آکادمیک

جدول ۶ نیاز به تشریح دارد. این جدول ارائه دهنده نتیجه پاسخ‌های مهم از تعداد ۱۵ دوره شهرسازی دانشگاه‌های کشورهای مختلف است. آنچه از این جدول برمی‌آید نیاز شدید به داشتن ارتباط با موسسات خارجی، در فرم‌های مختلف کمک، تحقیقات مشترک، کنفرانس‌ها و غیره است (۱۱ مورد از ۱۴ موسسه پاسخ‌دهنده این نیازها را تشخیص داده‌اند). منابع مالی و تجهیزاتی برای ارتقاء کیفی دپارتمان‌ها، بدون توجه به محل کسب این منابع دومین نیاز اظهار شده است. کامپیوتر و تجهیزات، منابع مالی محلی و نیروی انسانی در بین این منابع بوده است. در این میان، نیاز کمتری به تحقیقات محلی، مقولات طراحی و مدرسین خارجی اظهار شده است. تعداد معدودی که به اینگونه نیازها اشاره کرده‌اند آنها بی هستند که اخیراً تأسیس شده‌اند. به طور کلی به نظر می‌رسد که نیازها عمدتاً در مقولاتی چون ارتباط، مبادله و کمک در فرم تجهیزاتی و مالی از خارج است و در مقابل نیازهای کمتری به کمک‌های رسمی در طراحی یا تدریس احساس می‌شود. این مشاهدات می‌تواند نشانه‌ای از کفایت در قابلیت‌های دوره‌های شهرسازی در آموزش تلقی شود، در حالیکه فشار محدودیت منابع در دانشگاه‌های کشورهای جهان سوم مشهود است. در اظهار نظرهای مکتوب که همراه با پاسخ‌ها بوده‌اند، موضوعات ارتقاء، مبادله و ارتباط عموماً جزء نیازها ذکر شده‌اند که حاکی از مطلوبیت آموزش دوطرفه و استفاده از تجربیات یکدیگر است.

کیفیت آموزش

آموزش شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته ممکن است پیشرفت قابل توجهی در ابعاد کمی داشته باشد. اما آیا کیفیت بالایی نیز دارد؟ آیا نیازهای ملی را پاسخ می‌دهد؟ به طور مستقیم این سؤالات قابل پاسخ نیستند، زیرا اندازه‌گیری کیفیت آموزش مشکل است. با این حال، در رابطه با کیفیت نشانه‌هایی را می‌توان یافت. اولاً، پاسخ مدیران یا همکاران آنها حاکی از وجود اطمینان در برنامه‌های آنهاست. در پاسخ به این سؤال که «آیا افرادی با مدارک قابل مقایسه از اروپا - آمریکا در سطح بالا به کار گرفته

تقاضا وجود دارد. تأسیس محدود دوره‌های جدید شهرسازی نیز مؤید این مطلب است که نیاز بازار نیز در حال افزایش شدید نیست. به نظر می‌رسد میزان فارغ‌التحصیلی در کشورهای نیجریه، هند، مالزی، غنا و پاکستان می‌تواند پاسخگوی نیازهای جاری باشد. سایر کشورها نیز با تکمیل دوره‌های شهرسازی خود به حد کشورهای فوق‌الذکر خواهند رسید و این مقوله با هدف رسیدن به تعادل ارتباط مستقیم دارد. تقاضا برای نیروهای شهرساز همراه با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور افزایش می‌یابد.

جدول ۴- یافتن شغل شهرسازی

نیجریه	هند	مالزی	سایر کشورها
۱۵	۳	۴	۶
خیلی	خیلی	خیلی	خیلی
محدود	اندک	اندک	اندک

میانگین زمان انتظار برای یافتن شغل (ماه)
نسبت فارغ‌التحصیلی که پس از ۲ سال موفق به یافتن شغل نمی‌شوند

یکی از معایب‌های جهان سوم این است که در حالی که نیازهای برآورده نشده وجود دارد، بیکاری نیروهای حرفه‌ای نیز مشهود است. تنها بخش اندکی از فارغ‌التحصیلان رسمی دانشگاه بازار کار را اشباع می‌کنند. بیکاری فارغ‌التحصیلان به صورت مشکلی دائمی در کشورهای جهان سوم وجود دارد، بخصوص آنهایی که شبکه‌ای از مؤسسات آموزش عالی را توسعه داده‌اند. فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی، هنر و علوم اجتماعی اغلب برای دوره طولانی مواجه با بیکاری هستند. به میزان کمتر فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی، پزشکی و دیگر رشته‌ها نیز مشکل فوق را دارند. برای مثال، تخمین زده می‌شود که در حدود ۱/۵ میلیون فارغ‌التحصیل بیکار در کشور هند در سال ۱۹۸۰ وجود داشته است.^{۱۵} انجمن پزشکی پاکستان برآورد می‌کند که تعداد ۱۱۰۰۰ نفر فارغ‌التحصیل بیکار پزشکی در سال ۱۹۹۰ وجود داشته است.^{۱۶} چنانچه کشورهای بزرگی نظیر هند و پاکستان نتوانند نیروی انسانی فارغ‌التحصیل را جذب کنند، کشورهای کوچک فرصت‌های بسیار کمتری برای این موضوع خواهند داشت. پس از آنکه کشور در حال توسعه شروع به تأمین جریان مداومی از فارغ‌التحصیلان کند، به نظر نمی‌رسد دورنمای اشتغال رشته‌هایی نظیر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای برای مدت طولانی پایدار باشد. شاخص دیگر از دورنمای اشتغال در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته را می‌توان در پاسخ به سؤال این مقاله درباره کمبود رشته‌هایی نظیر نقشه‌برداری، معماری، علوم اجتماعی، مهندسی و غیره ملاحظه کرد.

پاسخ مشترک ۵ دوره شهرسازی از کشور نیجریه این بود که کمبودی در حرفه‌های نزدیک به شهرسازی وجود ندارد، اگرچه دو پاسخ نشان‌دهنده برخی کمبودها در نقشه‌برداری بوده است. جدول شماره ۵ پاسخ‌های کیفی بررسی ما را نشان می‌دهد. تمامی پاسخ‌دهنده‌ها، باستثناء یک مورد، نشان دادند که کمبودی برای جغرافیدانان، اقتصاددانان یا دیگر متخصصان علوم اجتماعی وجود ندارد. در مجموع، این جدول مؤید این نکته است که بازار کار برای نیروهای حرفه‌ای به نسبت محدود و به سرعت در حال رسیدن به تعادل است. دوره‌های شهرسازی کشورهای مشترک‌المنافع کمتر

نیازهای شدید اظهار شده (تعداد پاسخها)	
۱۴	کمک‌های مالی خارجی
۱۲	تحقیقات مشترک با موسسات خارجی
۱۲	کتاب و مجلات
۱۱	کنفرانسها و سمینارها
۱۰	مطالعات پیشرفته خارجی برای دانشکده
۹	کامپیوتر و تجهیزات
۸	سرمایه‌گذاری‌های محلی
۷	همکاری نیروی انسانی و بورس
	برای فارغ‌التحصیلان
۷	توسعه رهیافت‌های ملی برای شهرسازی
۷	پایه‌ریزی تحقیقات محلی
۳	مشاوره در مقوله تشکیلات
۱	مدرس از خارج

نیاز گروه شهرسازی امریکا باشد؟ این سؤال مشکلات و پیچیدگی تخمین نیاز به شهرسازان را روشن می‌کند که دانش و مهارت آنها در عمل قابل جایگزینی یا قابل حصول باشد.

به هر حال، این تصور که کشورهای کمتر توسعه یافته به هزاران برنامه‌ریز شهری نیاز دارند براساسی است که «مورونی» (Moroney) آن را درک دستوری^{۱۸} (Normative) از نیاز می‌داند. تصویر دیگر که بیشتر درباره مطالعه حاضر است نیازهای اظهار شده و تأکید شده‌اند.^{۱۹} این نوع نیازها در قالب تقاضا قابل اندازه‌گیری هستند که در این صورت ارقام مربوطه به صدها نفر می‌رسد نه به هزاران نفر. با ملحوظ داشتن نیاز اظهار شده به عنوان اصل ارزیابی آموزش شهرسازی، مشاهدات ذیل را می‌توان استنتاج کرد.

یافته‌ها

(a) کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته با ۲۱ دوره لیسانس و ۲۴ دوره فوق لیسانس بطور متوسط در سال حدود ۹۰۰ فارغ‌التحصیل دارند. تمام مناطق یک یا بیش از یک دوره آموزش شهرسازی دارند. تنها کشورهای کوچک از قبیل ترینیداد، برونئی و ملاوی در حال حاضر هیچگونه دوره رسمی در شهرسازی ندارند. پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در تربیت شهرسازان در داخل کشورها نیز حاصل شده است.

(b) در مجموع یک تعادل سطح پایین بین میزان تقاضا (فرصت‌های شغلی موجود) و تأمین (فارغ‌التحصیلان شهرسازی) در بیشتر کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته حاصل شده است. حداقل در بعد کمی، تأمین کافی نیروی انسانی شهرسازان محلی وجود دارد که معیار بازار کار در حال حاضر تلقی می‌شود.

(c) اگرچه در مجموع بازار کار برای فارغ‌التحصیلان شهرسازی مطلوب به نظر می‌رسد، اما اغلب این کشورها، بااستثناء هنگ‌کنگ و شاید مالزی، مواجه با بیکاری فارغ‌التحصیلان در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی، و در مقاطع زمانی مختلف در مهندسی و معماری هستند. به دلیل قابلیت جایگزینی، این رشته‌ها از جمله رشته‌های نزدیکی هستند که تأمین آنها بر متقاضیان شهرسازی اثر می‌گذارد. پاسخ‌دهندگان بررسی حاضر براساس معیارهایی چون زمان متوسط انتظار برای به دست آوردن شغل، کمبود اظهار شده نیروهای حرفه‌ای و تقاضای محسوس برای دوره‌های جدید آموزش شهرسازی، نشان دادند که کشور آنها به حد کفایت به این خدمات رسیده‌اند. ممکن است نیاز به شهرسازان در مقیاس وسیعی وجود داشته باشد، اما در بیشتر کشورها تقاضای پنهان کمتری هست. هر جا که کمبودهای جاری وجود دارد، برای مثال هنگ‌کنگ، این کمبودها ناشی از وضعیت‌های ویژه، یا نتیجه مسائل گردش اقتصادی است.

(d) به نظر می‌رسد که کیفیت دوره‌های شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته ضعیف است، اگرچه تفاوت‌های قابل توجهی در کشورهای مختلف وجود دارد. نسبت دانشجویان به استاد قابل مقایسه با نرم‌های کشورهای غربی است و الگوی کلی این است که یک دوره یک یا دو استاد با مدرک تحصیلی بالا و تعداد زیادی استاد از فارغ‌التحصیلان جدید داشته باشد. اغلب مواقع اسامی استادانی که درجات علمی بالایی دارند، در مرخصی یا در فرصت مطالعاتی در

می‌شوند» تقریباً به اتفاق پاسخ منفی داده‌اند. نظر بر این بود که فارغ‌التحصیلان آنها از نظر کیفی بهتر با مباحث محلی برخورد می‌کنند. این جو اطمینان در پاسخ به سؤال نیازهای آکادمیک در ارتباط با دانشگاه‌ها و موسسات خارجی نیز منعکس می‌شود. ممکن است موضوع فوق یک ژست عمومی از سوی مدیران دوره‌های شهرسازی تلقی شود، اما به هر حال خود نظر اجمالی‌ای از عقاید و انتظارات آنها را می‌رساند.

معیارهایی چون نسبت دانشجو به مدرس، قابلیت‌های علمی مدرسان و تحقیقات و انتشارات در دوره‌های شهرسازی کشورهای کمتر توسعه یافته ضعیف ظاهر می‌شوند. اگرچه نسبت دانشجو به استاد قابل مقایسه با نرم‌های کشورهای غربی است، اما قابلیت‌های آکادمیک استادان به طور متوسط پایین تر است. یک دوره شهرسازی عمدتاً، در یک سال تحصیلی، تعداد اندکی استاد با مدارک دکتری یا دیگر مدارک بالا دارد و فارغ‌التحصیلان جوان دوره‌ها عمده آموزش را می‌دهند. اگرچه به صورت انفرادی مقالاتی در مجلات بین‌المللی منتشر می‌شود، در بعد تحقیقات در دپارتمان‌ها، تأکید کمتری وجود دارد. وضعیت کشورهای مختلف در این معیارها ممکن است متفاوت باشد، اما بطور کلی از نظر کیفی سطح دوره‌ها در کشورهای کمتر توسعه یافته بالا نیست.

مبنای ارزیابی: نیاز یا تقاضا

بدون شک کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته مسائل جدی در توسعه‌های شهری و منطقه‌ای دارند که تبعاً به تعداد زیادی از شهرسازان حرفه‌ای نیازمندند. مشکل است که تعداد مورد نیاز نیروی انسانی برای هر کشور به طور دقیق و مطمئن تخمین زده شود. برای مثال، «آینی» (Oyeneye) و «آدینجی» (Adeniji) تخمین می‌زنند که کشور نیجریه در حال حاضر به حدود ۴۰۰۰ برنامه‌ریز شهری نیاز دارد.^{۱۷} در حالیکه کشور امریکا با تقریباً ۲/۵ برابر جمعیت نیجریه و نسبت بالای شهرنشینی و نیز درآمد ملی بالا، در حدود ۷۰۰۰ شهرساز حرفه‌ای دارد، آیا امکان دارد نیاز نیجریه به شهرساز تقریباً ۶۰ درصد

خارج هستند، نیز در لیست وجود دارد.

در مجموع، کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته در پاسخ به نیازهای ملی خود، اگر نه نیاز، به تعداد کافی نیروی انسانی شهرساز تربیت می‌کنند. این دوره‌ها به گونه‌ای عمل می‌کنند تا شهرسازی تربیت کنند که تا حدود زیادی بتوانند خواسته‌های فعلی جامعه را برآورده کنند. تنگناهای کیفی دوره‌های شهرسازی کشورهای کمتر توسعه یافته غالباً ناشی از عوامل داخلی است تا عوامل خارجی. دلیل کیفیت پایین دوره‌ها را نمی‌توان در فقدان آگاهی یا دانش کافی دانست. اما کمبود منابع، سیاسی بودن دانشگاه‌ها، تمرکز قدرت، کنترل نظرات و دیگر عوامل، تشکیلاتی هستند که مانع توسعه کیفی دانشگاه‌ها می‌شوند. علاوه بر این، نوع تشکیلات و عملکرد حرفه شهرسازی نیز بر کیفیت آموزش شهرسازی اثر می‌گذارد. در زیر به طور مختصر چگونگی تاثیر عوامل تشکیلاتی بر کیفیت آموزش شهرسازی تشریح می‌شود.

برخی از تعیین‌کننده‌های ویژه آموزش شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته

(a) حرفه شهرسازی:

حرفه شهرسازی فارغ‌التحصیلان این رشته را به کار می‌گمارد و آنچه را که باید بیاموزند تعریف می‌کند. آموزش شهرسازی در نهایت براساس آنچه که افراد تربیت شده انجام می‌دهند، یا آنچه که «اسکن» (schon) به درستی دانش تجربی می‌نامد، یا می‌گیرد.^{۱۹} بدین ترتیب، کیفیت آموزش شهرسازی نمی‌تواند جدا از جهت و روند امور کشور بررسی شود.

کار شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته در اصل به صورت بخشی از خدمات شهری، فرم تشکیلاتی به خود گرفته است. سیر تحول حرفه شهرسازی در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته، عمدتاً براساس شیوه‌های شهرسازی بریتانیا بوده است و از ابتدا در قالب دیپارتمان‌های امور عمومی بنا شده‌اند. این حرفه براساس سوابق قبلی، مقررات و صلاح‌دیدهای اداری پیش می‌رود. می‌توان از تولید و تخصیص قطعات زمین مسکونی، تصویب طرح‌ها و طی مراحل صدور پروانه ساختمان نام برد که اختیار و قدرت شهرسازان را تقویت می‌کند و آنها را در صفت مقدم کار قرار می‌دهد. حرفه شهرسازی تشکیلاتی است که حول قدرت و اختیاری که در بوروکراسی عمومی مقرر شده شکل می‌گیرد. علاوه بر این، مؤسسات سیاسی بالنسبه ضعیف و مقررات نظامی مقطعی در کشورهای کمتر توسعه یافته موجب افزایش قدرت مقامات دولتی می‌شود و آنها را از محاسبات و پاسخگویی معاف می‌کند. در قالب مقامات دولتی، شهرسازان اختیاراتی همراه با مصونیت قابل توجه دارند. به موازات سایر خدمات شهری، فساد اداری نیز به حرفه شهرسازی رسوخ می‌کند.

این فرم‌های ساختاری در آموزش شهرسازی پدیدار می‌شوند. بدین ترتیب، دوره‌های شهرسازی در فرم تأمین فارغ‌التحصیلانی شکل می‌گیرند که بهتر بتوانند در امور عمومی عمل کنند. نتایج بررسی

این تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت فارغ‌التحصیلان شهرسازی، سرپرستی پست‌هایی نظیر مشاوران شهرساز، مشاوران مدیران و غیره را در شهرداری‌ها و دیپارتمان‌های ملی شهرسازی به عهده می‌گیرند. فرصت‌های اشتغال در بخش خصوصی محدود است و آینده نامشخصی دارد. تعادلی بین تأمین و تقاضای شهرسازی برای این‌گونه پست‌ها برقرار است. این امر نشان‌دهنده کفایتی است که قبلاً درباره آن بحث شد.

دوره‌های شهرسازی کشورهای کمتر توسعه یافته ظاهراً در حال دور شدن از انتظارات است. زیرا آموزش آنها ممکن است نتواند فارغ‌التحصیلان لازم برای نیازهای ملی را فراهم کند. در حال حاضر این دوره‌ها پاسخ لازم به تقاضای جاری و موجود در حرفه را برآورده می‌کنند. تلاش برای ارتقا و پالایش آموزش شهرسازی به گونه‌ای که به دور از واقعیت عملی باشد موجب عدم تأمین پرسنی می‌شود که دور از مردمی هستند که قرار است به آنها کمک شود.^{۲۰} هرگونه تداوم ارتقا و بهبود در مورد آخر، نیاز به تجدید ساختار در حرفه دارد.

(b) انگیزه‌های شخصی:

در کشورهای کمتر توسعه یافته، انگیزه‌های شخصی مدیران وزارتخانه‌ها و دیپارتمان‌های شهرسازی نقش وسیع و نامتناسبی در تعیین جهت کار و همچنین الغاء ترجیحات خود دارند. این عامل ممکن است در کشورهای غربی نیز باشد، اما بین این مسئله و مقولاتی چون حقوق انفرادی، سنت‌های دموکراسی و مقررات شهری تعادل برقرار می‌شود. در فقدان چنین مواردی در کشورهای کمتر توسعه یافته، کارشناسان ارشد شهرسازی، یا دبیران کلیدی وزارتخانه‌ها و مدیران مدارس شهرسازی فرصت بیشتری برای پروراندن این انگیزه‌ها دارند. «گوندیم» (Gondim) تشریح می‌کند که چگونه در برزیل رفتار اختیاری مدیران، موجب محدود شدن و بی‌انگیزه شدن شهرسازان جوان می‌شود.^{۲۱}

در پاکستان، یک شهرساز ویژه و ارشد برای سال‌های متمادی از شناسایی شهرسازی امریکا، یونان و نیز دانشگاه‌های محلی امتناع می‌ورزید که عمدتاً بر پایه ایده‌های شخصی خود بود و نتیجه آن، بی‌اثر کردن نقش فارغ‌التحصیلان جوانی بود که به بهاء هزینه‌های جامعه تربیت یافته بودند. برای سال‌های طولانی وی ترجیح داد تا یک مهندس سیویل به عنوان فردی واجد شرایط و مناسب بجای یک شهرساز در رأس امور قرار گیرد. مورد فوق تنها مثال نیست و مثال‌های مشابهی در سایر کشورها نیز وجود دارد. نکته اینجاست که بدون نظارت تشکیلاتی، چنین انگیزه‌ها و ترجیحاتی بر نحوه آموزش در کشورهای کمتر توسعه یافته اثر می‌کند. اهمیت عامل شخصی به عنوان عامل تعیین کننده در برنامه‌های شهرسازی در بحث‌های مربوط به کشورهای جهان سوم هنوز شناخته نشده است.

(c) برنامه‌ریزی توسعه و برنامه‌های بین‌المللی:

تا اینجا درباره مقوله شهرسازی از دید تشکیلاتی بحث کردیم. پدیده دیگری از شهرسازی حرفه‌ای نیز وجود دارد که در سال‌های اخیر به عنوان بخشی از نیروی توسعه در جهان سوم نمود پیدا کرده است. به دلیل فقدان تعریفی دیگر، این مقوله می‌تواند تحت عنوان

برنامه‌ریزی توسعه (Development planning) تشریح شود. مثال‌های موضوعات این مقوله شامل تهیه مطالعات امکان‌سنجی، مدیریت و ارزیابی پروژه، ارزیابی محیطی، سیاست‌های مسکن و غیره می‌شود. چنین فعالیت‌هایی به وسیله موسسات بین‌المللی شتاب گرفته و بدین ترتیب تحت تاثیر تحولات و جریان کمک‌ها و وام‌های خارجی قرار می‌گیرد. این شیوه تفکر در حال پاگرفتن در کشورهای کمتر توسعه یافته با درآمد متوسط است. معمولاً این شیوه تفکر، خارج از دیار تمان‌های شهرسازی سنتی مانند موسسات دولتی و شرکت‌های مشاوره‌ای با اهداف ویژه شکل می‌گیرند. ایده‌ها و رهیافت‌های^{۲۲} (approaches) این تفکر در تقابل با تفکر شهرسازی قانونی و معمولی است. این تنش در چارچوب بحث‌های مربوط به استانداردهای غالب شهرسازی و یا تلاش برای کنترل پروژه‌های توسعه تشریح می‌شود.

برنامه‌ریزی توسعه موجب می‌شود تا دوره‌های شهرسازی تحت تأثیر تحولات برنامه‌ها و مقررات بین‌المللی قرار گیرند. اگر دیروز استراتژی شهرهای میانه (Secondary cities strategy) راه حل مشکلات شهرهای مادر تلقی می‌شد، امروزه پاسخ به صورت امر خصوصی سازی خدمات مطرح می‌شود. جریان چنین احکام و مقررات بین‌المللی از طریق دوره‌های شهرسازی تداوم می‌یابد و موجب به‌دست آمدن فرصت‌هایی برای توسعه یک تصور فطری در شهرسازی می‌شوند. فقدان تئوری شهرسازی مناسب که با موقعیت محلی مرتبط باشد، شاید مهمترین کمبود در آموزش شهرسازی باشد. این کمبود در قالب وابستگی به مقررات و نظرات خارجی شدت می‌یابد.

آموزش و کاربرد شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته فاقد تئوری مرتبط، مناسب و ریشه‌ای است. ارزیابی از تجربیات گذشته وجود ندارد و بهاء کمتری به تحقیقات سیستمی داده می‌شود. «وکوت» (Wekwete) نتیجه می‌گیرد که برنامه‌ریزی فیزیکی به کار گرفته شده، به طور معمول (آنچه که قانون معین می‌کند) دیکته می‌شود که بدون بهره‌گیری از فواید و نتایج تحقیقات و ارزیابی است.^{۲۳}

(d) محیط آموزشی:

بجز ابعاد ساختاری تشریح شده در فوق، عوامل دیگری نیز وجود دارند که ویژه سیستم‌های آموزشی جهان سوم است و اثرات قابل توجهی در کیفیت دوره‌های شهرسازی دارند. سیاسی بودن دانشگاه‌ها و کالج‌ها، اضطراب دانشجویان و ستیزهای اجتماعی و نژادی، موسسات آموزشی را در حالت تنش نگه می‌دارند. برای مثال در آسیای جنوبی، دانشگاه‌ها بر اثر تنش‌های شهری برای ماه‌ها بسته می‌مانند. مقررات نظامی موجب حساسیت دولت‌ها نسبت به تحقیقات اجتماعی و نیز عدم تشویق و ارزیابی می‌شود. منابع موجود در دانشگاه‌ها بسیار محدود و بار آموزش بسیار سنگین است. حقوق‌های دانشگاهی بسیار پایین است، به طوری که کار چند هفته‌ای در خارج برای کارکنان دانشکده معادل کار چندساله در داخل می‌شود.^{۲۴} کتب درسی در قالب اندیشه‌های خارجی است و به دلیل تفاوت‌های فاحش در ارزش ارز، بسیار گران هستند.^{۲۴} این مقولات نمونه‌هایی از فشارهای مسئولیت آموزش شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه

یافته است. تعجب‌آور نیست که کیفیت آموزش در سطح پایین باشد.

نتیجه‌گیری

این فرضیه که کشورهای کمتر توسعه یافته نقصان شدید در آموزش شهرسازی دارند و دوره‌های موجود ضعیف و غیرکارا هستند نیاز به بررسی مجدد دارد. کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته گام‌های سریعی برای تشکیلاتی کردن دوره‌های شهرسازی برداشته‌اند. آموزش شهرسازی آنها به میزانی شهرساز تربیت می‌کند که کم و بیش تقاضای جاری را پاسخ می‌دهد. براساس معیارهای نیازهای شغلی، فرصت‌های شغلی و تعداد مدرسين، به نظر می‌رسد که دوره‌های شهرسازی این کشورها مناسب باشند. این دوره‌ها، فارغ‌التحصیلانی را تأمین می‌کنند که سیستم‌های شهرسازی کشورها خود خواستار هستند. تفاوت‌های بین کشورها در بالا بحث شد. به آنچه باید توجه شود این است که در فاصله زمانی بیست سال، کشورهای کمتر توسعه یافته تا حدودی در تقاضا و تأمین شهرساز به تعادل رسیده‌اند.

بدون شک کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته، مشابه سایر کشورهای جهان سوم با بحران تراکم در نیازهای شهری مواجه هستند. آنها به راه‌حل‌های بدیع و مناسب برای مسائل خطیر خود نیاز دارند و از این نظر، نیاز به نیروهای حرفه‌ای از جمله شهرسازان، تقریباً نامحدود است. با این حال، این کشورها با موج بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون مواجه هستند. نیازها ممکن است نامحدود باشد، اما منابع موجود تقاضا برای شهرسازان و دیگر نیروهای تخصصی و حرفه‌ای را در تنگنا قرار می‌دهد. بازدهی و فارغ‌التحصیلی شهرسازی نمی‌تواند از میزان تقاضا بیشتر باشد.

کیفیت دوره‌های شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته پایین است، اما به موازات استانداردهای آموزش عمومی و سطح کار حرفه‌ای است. شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته نتوانسته است در اهداف ریشه‌ای و فلسفی که مناسب با موقعیت‌های محلی باشد تحول یابد. از یک طرف، گردش امور اداری جهت کار را مشخص کرده و از طرف دیگر تحت تأثیر مقولات بین‌المللی بوده است. نتایج کار ارزیابی نمی‌شود و تجربیات گذشته به ندرت ثبت می‌شود. به موازات هر تجدید تشکیلات در آموزش، تجدید ساختار حرفه‌ای نیز باید شروع شود. بدون در نظر داشتن هر یک از این دو مقوله، دیگری نمی‌تواند موفق باشد.

برنامه‌ریزی شهری در کشورهای جهان سوم می‌تواند به صورت رفع احتیاج عمومی سازمان یابد. این امر ممکن است مستقیم در خدمت نیازهای فردی و گروهی ساکنین قرار گیرد. فردی می‌تواند تأسیس یک اداره یا دفتر شهرسازی را در سر بپروراند که مسئول پیدا کردن مسکن برای خانواده‌ها باشد یا در امر مشورت به سازندگان برای تشخیص اهداف شغلی آنها در قالب سیاست‌های عمومی یاری رساند. برنامه‌ریزی شهری که در جهت سلامت و بهداشت عمومی یا امور اجتماعی عمل می‌کند، شاید برای کشورهای کمتر توسعه یافته کاربرد مؤثرتری داشته باشد. در مقابل اشتغال در امور اداری، حرفه شهرسازی می‌تواند مسئولیت توسعه و مدیریت مراکز زیست انسان را به عهده بگیرد. این امر به برخورد ریشه‌ای و روشن کردن ایده‌های

۱۳. اصولاً این ارقام تخمینی هستند. تعداد دقیق دوره‌ها را بدلیل ابهام در تعریف نمی‌توان تعیین کرد. آیا دوره لیسانس معماری و برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان برنامه و دوره شهرسازی تلقی می‌شود؟ این موضوع برای جغرافیا و برنامه‌ریزی چگونه است؟ منبع اصلی ما به سالنامه دانشگاه‌های کشورهای مشترک‌المنافع مربوط می‌شود که گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را در برمی‌گیرند. دوره‌های لیست شده تحت این عنوان، پایه مطالعاتی بررسی حاضر را تشکیل می‌دهند. اطلاعات حاضر با مطالب به‌دست آمده از بررسی موردی طرح زیر کنترل شده است.

قابل ذکر است که هنوز تمامی این دوره‌ها از سوی موسسه شهرسازان به رسمیت شناخته نشده‌اند. برخی از دوره‌ها نظیر مطالعات شهری، توسعه منطقه‌ای، مدیریت املاک، اقتصاد زمین، نقشه‌برداری و سیاست عمومی شامل این بررسی نشده‌اند. بررسی، تنها به دوره‌هایی محدود شد که مشخصاً تحت عنوان مدارک رسمی دوره شهرسازی بوده‌اند.

14. P. Healey, G. Mc Dougall and M. Thomas. «Theoretical Debates in Planning: Towards a Coherent Dialogue» in Patsy Healey Glen Mc Dougall and Michael J. Thomas (eds), *Planning Theory: Prospects for The 1980s*. (Pergamon Press, New York, 1982) C. Patton. «Recent Trends in Graduates Planning Education», *Journal of Planning Education and Research*, 8 (Summer 1989), No. 3.
15. U. Kandou, *Urban Unemployment* (Vishel, Kurukshetra, 1984), p. 109.
16. *The Pakistan Times* (18 January, 1991), p.3
17. O. Y. Oyeneye and K. Adenigi «Institutions for Training and Educating Town Planners in Nigeria», *Ekistics* 55 (328/ 329/ 330) (Jan/ February/ May/ June 1988), p. 83.
18. R. Moroney, «Needs Assessment for Human Services» in Wayne Anderson and Bernard Frieden (eds). *Managing Human Services* (International City Management Association, 1977), pp. 136-137.
19. D. A. Schon. some of What Planners Know, *Journal American Planning Association* (Summer 1982), p. 351.
20. S. S. Yrahya «Trainig for Human Settlements in East and Southern Africa», Along the Northksouth Axis (The Center for Human Settlements. The University of British Columbia. VANCOUVEV, 1984.) p. 13
21. L. Godim, «Planning Practice Within Public Bureaucracy! a New Perspective on Roles of Planners» *Journal of Planning Education and Research* 7 (Spring 1988) No. 3, p. 166.
22. K. H. Wekwete. «Physical Planning in Zimbabwe», *Third World Planning review*, 11 (1) (1989), pp. 49 - 69.
23. R. Jolly, A Future for UN Aid and Technical Assistance», *Development* 89 (1989). No. 4, p. 23.
24. Yahya. p. 21. see note 19.



جهانی، مفاهیم و تکنولوژی نیاز دارد. به موازات این تحولات، تجدید سازمان حرفه شهرسازی موجبات بهبود در کیفیت آموزش شهرسازی را فراهم خواهد ساخت. از طریق انجام تحقیقات و ارزیابی آموزش شهرسازی، می‌توان در جهت تجدید سازمان کار شهرسازی و بدین ترتیب در جهت کمک به خود حرفه گام برداشت. این مقوله از آموزش شهرسازی به‌طور نا تمام باقی می‌ماند.

سرانجام، نتیجه‌گیری ما درباره مطلوبیت دوره‌های شهرسازی در کشورهای کمتر توسعه یافته نتایجی برای دانشگاه‌های غربی نیز دارد. به نظر می‌رسد نیاز شدیدی به دوره‌ها با مدارک ویژه در شهرسازی جهان سوم وجود ندارد، چرا که جهان سوم در مرحله خودکفایی در تربیت شهرسازان حرفه‌ای است. انگیزه غربی در شهرسازی جهان سوم باید بررسی مجدد شود. این امر باید در جهت ارتقاء مطالعات تطبیقی مؤسسات شهرسازی قرار گیرد و به دور از تلاش‌هایی باشد که فرض بر نیازهای آموزش جهان سوم دارد. چنین تعریف مجددی از انگیزه غرب، یک مرحله جدید در مسیر تحول شهرسازی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی را به دنبال خواهد داشت. ●

توضیحات و منابع

1. M. Qadeer, *planning in the third world in western Universities*, 55 (328/329/330)(Jan/February-May, June 1988), p. 65.
۲. جلسات سالانه انجمن شهرسازان آمریکا (American planning Association) مدارس شهرسازی آمریکا (American Collegiate Schools of planning) موسسه شهرسازی بریتانیا (British Town Planning Institute) برای مثال هر سال جلسات متعددی دارند که به بحث‌های برنامه‌ریزی شهری جهان سوم و آموزش اختصاص می‌یابد.
3. C. Abrams, *Man's for shelter* (M.I.T. Press, Cambride, MA, 1964). G. Dix, «Planning Education for Developing Countries: a Review and Some Preposals for a Policy», *Ekistics* 47(285) (1980), pp. 396-403. H.P. Oberlander, «Planning Education for Newly Independent Countries» *Journal of American Institute of Planners* 28(2) (1963), pp. 116-123. L. Rodwin, *Cities and City Planning* (Plenum Press, New York, 1981).
4. I. Masser and R. Williams (cads), *Learning From Other Countries*
5. E. W. Said, «Orientalism» (Panthem Books, New York, 1978),
6. B. Sanyal, *Breaking the Boundaries: a One-world Approach to Planning Education* (Plenum Press, New York, 1990).
7. R. Y. Kwok, «Education in Urban Planning» *Habitat Intenational* 7(1/2) (1983), pp. 91-101.
- R. L. Meier, «Asian Planning Education in the 1980s» *Habitat International* 12(2) (1988), pp. 137-148.
8. Rodwin, p. 210, wee note 3.
9. L. Mann, «The Fuzzy Future of Planning Education», in Ernest Erber (ed.), *Urban Planning in Transition* (Grossman, New York, 1970).
10. W. Alonso, «The Unplanned Plth of Planning Schools» *The Public Interest* 82 (Winter 1986).
11. D. Kruekeberg, «Planning and the New Depression in the Social Sciences», *Journal of the Planning Education and Research* 3 (Winter 1984), p. 2.
12. J. de Neufville, «Useable Planning Theory: an Agenda for Rdwearch and Education», in Barry Checkoway (ed.), *Strategic Perspectives on Planning Practice* (Lexington Books, Lexington, 1986). P. Hall, «The Turbulent Eighth Decade», *Journal of the*

پیوست

فهرست دوره‌های دانشگاهی در رشته‌های برنامه‌ریزی شهری
و منطقه‌ای در کشورهای مشترک‌المنافع کمتر توسعه یافته

کشور	دانشگاه	مقطع (مدرک)
۱ - بنگلادش	University of Engineering and Technology, Dhaka	فوق لیسانس
۲ - گنا	University of Science and Technology Kumasi	لیسانس، فوق لیسانس، دکتری
۳ - هنگ‌کنگ	University of Hong Kong	فوق لیسانس، دکتری
۴ - هند	Anna University of Technology, Madras	فوق لیسانس
	Bengal Engineering College, Calcutta	فوق لیسانس
	Guru Nanak Dev. University, Amritsar	فوق لیسانس
	University of Roorkee, Roorkee	فوق لیسانس، لیسانس
	Indian Institute of Technology, Kharagpur	فوق لیسانس
	College of Engineering, Pune	فوق لیسانس
	School of Planning and Architecture, New Delhi	فوق لیسانس
	Center for Environmental Planning and Technology, Ahmedabad	فوق لیسانس
۵ - کنیا	University of Mysore, Mysore	فوق لیسانس
	College of Architecture and Engineering, Nairobi	فوق لیسانس
۶ - مالزی	National University of Malaysia, Selanger	فوق لیسانس
	University of Science, Minden	لیسانس، فوق لیسانس
	University of Technology, Jahor	لیسانس، فوق لیسانس
۷ - نیجریه	Ahmadu Belo University, Zaria	لیسانس
	Anambora State University of Technology, Enugu	فوق لیسانس
	University of Benin, Benin City	لیسانس، فوق لیسانس
	University of Cross River State, Uyo	لیسانس
	Federal University of Technology, Mima	لیسانس
	Federal University of Technology, Yola	لیسانس
	University of Ibadan, Ibadan	لیسانس
	Imo State University, Ekiti	فوق لیسانس
	University of Jos, Jos	لیسانس
	University of Maidiguri, Naidiguri	لیسانس
	Lagos State University, Lagos	فوق لیسانس
	University of Nigeira, Enugu	فوق لیسانس
	Obafemi Awolowa, Ile-Ife	لیسانس
	Ogun State University, Ago-Iwoye	لیسانس
	Ondo State University	لیسانس
	Rivers State University of Science and Technology Port Harcourt	لیسانس
۸ - پاکستان	University of Engineering and Technology	لیسانس، فوق لیسانس
	College of Engineering, Jamshoro	لیسانس
۹ - سری لانکا	University of Moratunia, Katubedda	فوق لیسانس
۱۰ - سیرالئون	Njala University college, Freetown	لیسانس
۱۱ - زامبیا	The Copperbelt University, Kitwe	لیسانس
۱۲ - زیمبابوه	University of Zimbabwe, Harare	لیسانس

